

# Turkey Dam construction Project Threats: Security Threats to West Asia and the Islamic Republic of Iran

**Mohammad Nasehi**

Corresponding Author, PhD Student, Razi University; Kermanshah, Iran. m.nasehi67@gmail.com

**Mahnaz Gudarzy**

PhD Student, University of Isfahan; Isfahan, Iran. mahnaz.gudarzy@gmail.com

## **Abstract**

Turkey with knowledge about the possible future development of water resources and political upcoming conflicts, the massive dam construction project has been implemented since 1970, According to evaluations, is the world's fifth dam construction plan. The implementation of this project has negative effects on the ecosystem of Turkey's neighboring countries such as Islamic Republic of Iran, Iraq, and Syria, and has been carried out in accordance with international conventions without regarding the water rights of other countries. For this reason, this article seeks to answer the question, what threats can the GAP project create to the region and the Islamic Republic of Iran? The hypothesis of the article is influenced by the theoretical framework of the Copenhagen School, which shows that the continuation of this situation will engages Islamic Republic of Iran and the West Asian region with environmental threats, which according to the new definitions of security and threat, will lead to political and security problems. In this research, by examining the dimensions of the Dam construction project in Turkey and its consequences for Islamic Republic of Iran, Iraq, and Syria, it is proposed to refer to international conventions in the field of international waterways and also to regulate regional legal and political actions Against to this project, managed this critical situation. The method used in this research is descriptive-explanatory based on library resources.

**Keywords:** *GAP Dam Project, Turkey, West Asia Region, Islamic Republic of Iran, Threats*

# پروژه سدسازی ترکیه؛ تهدیدات امنیتی برای غرب آسیا و جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup>

محمد ناصحی

نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران  
m.nasehi67@gmail.com

مهناز گودرزی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران mahnaz.gudarzy@gmail.com

## چکیده

ترکیه با آگاهی نسبت به تحولات آتی منابع آب و درگیری‌های سیاسی احتمالی بر سر آن، از سال ۱۹۷۰ اقدام به اجرای پروژه عظیم سدسازی کرده است که بر اساس برآوردها، پنجمین طرح بزرگ سدسازی جهان به‌شمار می‌آید. اجرای این پروژه تأثیراتی سوء بر اکوسیستم کشورهای همسایه ترکیه از جمله جمهوری اسلامی ایران، عراق و سوریه دارد و بدون درنظر گرفتن حقوق آبی دیگر کشورها و کنوانسیون‌های بین‌المللی انجام شده است. به همین دلیل مقاله حاضر، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که «پروژه سدسازی ترکیه موسوم به «گاپ» می‌تواند چه تهدیداتی برای منطقه و جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؟». فرضیه مقاله متأثر از چهارچوب نظری مکتب «کپنهاک» حاکی از آن است که تداوم این وضعیت، جمهوری اسلامی ایران و منطقه غرب آسیا را با تهدیدات زیست‌محیطی مواجه خواهد کرد که بر اساس تعاریف جدید امنیت و تهدید، به معضلات سیاسی و امنیتی ختم خواهد شد. در پژوهش حاضر با بررسی ابعاد پروژه گاپ و پیامدهای آن بر کشورهای ایران، عراق و سوریه، پیشنهاد شده است با استناد به کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه آبراهه‌های بین‌المللی و همچنین با هماهنگ کردن اقدامات حقوقی و سیاسی منطقه‌ای علیه این پروژه، این وضعیت بحرانی مدیریت شود. روش این پژوهش، توصیفی - تبیینی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است.

**واژه‌های کلیدی:** پروژه گاپ، سدسازی، ترکیه، غرب آسیا، جمهوری اسلامی ایران،

تهدیدات

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۸ تاریخ بازبینی: ۹۹/۰۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۹

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۰۳-۱۲۹

## مقدمه

منطقه غرب آسیا، ظرفیت بالایی برای تأثیرگذاری در مناسبات جهانی دارد. این منطقه دارای مهم‌ترین ذخایر انرژی جهان بوده و از نظر ژئوپلیتیک نیز حایز اهمیت است. به همین دلایل همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ قرار گرفته و به یکی از مناطق پرتلاطم و بحران‌زای نظام بین‌الملل مبدل شده است. بحران‌های مذهبی، قومی، زبانی و اخیراً زیست‌محیطی، موضوع درگیری میان دولت‌های منطقه است. غرب آسیا منطقه‌ای گرم و خشک محسوب می‌شود و منابع آب قابل استفاده برای شرب و مصارف کشاورزی اندکی دارد. بر اساس معیارهای سازمان ملل، بسیاری از کشورهای این منطقه زیر خط فقر آبی قرار دارند. در نتیجه هر رفتار ناسنجیده‌ای از طرف کشورهای منطقه می‌تواند در آینده‌ای نزدیک منجر به تشدید شرایط وخیم زیست‌محیطی و ایجاد بحران‌های متعدد بیانجامد. در چند دهه اخیر ترکیه با طراحی پروژه سدسازی عظیمی، بستر بروز بحران‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی آینده را فراهم کرده است.

طرح این پروژه که «توسعه منابع آبی جنوب شرق آناتولی» یا «گاپ» خوانده می‌شود، در دهه ۱۹۷۰ با هدف اعلامی توسعه کشاورزی، اجتماعی و اقتصادی منطقه جنوب شرقی آناتولی کلید خورد. نوشتار حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که «پروژه گاپ می‌تواند چه تهدیداتی برای منطقه به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؟». در ادامه ضمن شرح و تبیین مفصل پروژه سدسازی گاپ، ارتباط آن با پارادایم نوع‌مانی‌گرایی ترکیه به‌عنوان رهیافت تازه در سیاست خارجی ترکیه از یک سو و از سوی دیگر شرایط حاکم فعلی بر منطقه غرب آسیا و

تهدیداتی که در ابعاد مختلف می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد پرداخته می‌شود. بدین منظور، مقاله پیش‌رو با انتخاب چهارچوب نظری امنیت در رویکرد مکتب کپنهاگ به‌عنوان نظریه‌ای جدید که رویکرد نوینی نسبت به مسائل امنیتی دارد به تحلیل اطلاعات استخراج شده پرداخته است.

### ۱. چهارچوب نظری

امنیت، از جمله مفاهیم کلیدی در روابط بین‌الملل است که در پی تحولات نظام بین‌الملل به‌ویژه پدیده جهانی‌شدن، تحول معنایی پیدا کرد. تا دهه ۱۹۸۰، دو برداشت از امنیت رایج بود:

#### ● نخست؛ برداشت واقع‌گرایانه

نظریه‌پردازان این جریان بین عرصه داخلی و خارجی تفاوت قائل بودند. در این برداشت علت تمایز دو حوزه، تحقق حاکمیت در داخل کشور و عدم وجود حاکمیت در عرصه بین‌الملل بود. دولت‌ها در حقیقت به واسطه برخورداری از حاکمیت به برقراری امنیت در چهارچوب سرزمینی مشخص می‌پردازند و مانع تجاوز دیگران به سرزمین خود می‌شوند. در نتیجه همه دولت‌ها به دنبال برقراری امنیت هستند.

#### ● دوم؛ برداشت لیبرالیستی

این گروه معتقدند امنیت نتیجه صلح است. به این معنا ایجاد صلح پایدار باعث تحقق امنیت می‌شود. جنگ مهم‌ترین عامل تهدید امنیت است، بدین ترتیب با سیاست‌هایی همچون کنترل تسلیحات، همکاری‌های بین‌المللی و خلع سلاح جهت کنترل جنگ اقدام می‌نمایند. انعکاس این برداشت تحولاتی بود که بین دو جنگ جهانی اول و دوم رخ داد.

وجه مشترک دو دیدگاه فوق، یکسان دانستن امنیت دولت با امنیت افراد جامعه بود. با فروپاشی نظام دوقطبی و ظهور مؤلفه‌های جدید در ساختار نظام بین‌الملل به خصوص پدیده‌های غیرنظامی نظیر توسعه اقتصادی، تغییرات زیست‌محیطی، مهاجرت و رشد بی‌سابقه جمعیت، شیوع بیماری‌های جدید نظیر

ایدز و کرونا، پدیده تروریسم و خشونت‌های قومی و نژادی، نقدهای جدی‌ای بر نگاه سنتی به امنیت وارد شده است. در واقع، جهانی شدن بعد از پایان جنگ سرد باعث تغییر مفهوم امنیت در دو حوزه موضوع و مرجع امنیت شده که در دیدگاه‌های مکتب کپنهاگ بازتاب یافته است. (محسنی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۲-۱۱۳).

مکتب کپنهاگ؛ اصطلاحی است که «بیل مک» سوئیدی برای آثار و نقطه‌نظرات «بری بوزان»، «الی ویور» و «دو ویلد» به کار برده است (حشمتی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۸). مکتب کپنهاگ به طور مشخص در سال ۱۹۸۵ توسط بری بوزان بنیاد گذاشته شد. این مکتب به مطالعات امنیتی دوره پساجنگ سرد و تحولات گسترده‌ای که در حوزه امنیت رخ داد، توجه دارد (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۴). این مکتب به جای تبیین مفهوم امنیت براساس قدرت، به تبیین مفهوم امنیت براساس «تهدید» می‌پردازد. براین اساس، امنیت؛ عبارت از «رهایی از تهدید» است (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۵). مکتب کپنهاگ به لحاظ موقعیت میانه‌ای که در اتخاذ روش دارد، نقش برجسته‌ای در رهیافت‌های روابط بین‌الملل دارد؛ چراکه، ضمن رد مفروضات اثبات‌گرایان و تأکید بر موقعیت‌مندی، آگاهی و شناخت، مؤید روش‌شناسی بین‌رهیافتی است.

از نظرگاه نظریه‌پردازان این مکتب در شرایط جدید، امنیت مفهوم سنتی خود را از دست داده است. در گذشته امنیت در چهارچوب مدل «وستفالیایی» و با ابعاد نظامی شناخته می‌شد، اما در دوران پساجنگ سرد، دچار دگردیسی شد. در دوران جدید، امنیت به ابعاد چندگانه نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی گسترش یافت. در حقیقت وجه تمایز اصلی بوزان، تمایز مطالعات امنیتی پساجنگ سرد از دوران جنگ سرد، وسعت دامنه امنیت و شمول موضوعاتی مانند مهاجرت، سازمان‌های جنایت‌کار فراملی و فروملی، محیط زیست و رفاه اقتصادی است که قبلاً در تعاریف امنیتی لحاظ نمی‌شدند (رحیم لی، ۱۳۹۶: ۲۷).

متغیرهای بنیادی این مکتب عبارت است از:

۱. امنیت مفهومی بینادهنی

## ۲. امنیتی و غیر امنیتی ساختن موضوع‌ها

۳. موسع بودن امنیت و مطرح ساختن زوایای مختلف آن در پنج بعد

## ۴. امنیت منطقه‌ای

تمرکز این مقاله بر موسع بودن مفهوم امنیت و تهدیدات در مجموعه امنیتی غرب آسیا است. زوایای پنج‌گانه امنیت از نگاه بوزان عبارت است از: ۱. امنیت نظامی، ۲. امنیت سیاسی، ۳. امنیت اقتصادی، ۴. امنیت اجتماعی و ۵. امنیت زیست‌محیطی. در ادامه مقاله هر یک از این مفاهیم در ارتباط با تهدید امنیتی پروژه گاپ بررسی می‌شود. این پنج بخش به صورت مستقل از هم عمل نمی‌کنند؛ بلکه به هم پیوسته هستند و بر یکدیگر تأثیر و تأثر دارند (بوزان، ۱۳۸۷: ۳۴).

بدین ترتیب بخشی از تهدیدهای امروزه جوامع انسانی از جمله تهدیدات پروژه گاپ، در مسائل زیست‌محیطی ریشه دارد. اگرچه این پروژه در ظاهر غیر امنیتی است، در حقیقت امنیت جامعه و در نتیجه امنیت ملی کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عده‌ای از نظریه‌پردازان معتقدند فشارهای محیط زیست می‌تواند منجر به خشونت در نظام بین‌الملل یا در چهارچوب سرزمینی مشخصی شود ولی عده‌ای دیگر بر این باورند که محیط زیست نمی‌تواند به تنهایی منجر به درگیری و نزاع شود؛ بلکه می‌تواند بستری برای ایجاد بحران باشد. در مقاله پیش‌رو با تاسی از ابعاد پنج‌گانه امنیت در مکتب کپنهاگ، مسائل زیست‌محیطی به‌عنوان بستری برای ظهور و فعالیت جریان‌های مختل‌کننده امنیت است. از نظر بوزان، امنیت زیست‌محیطی همکاری در زمینه منطقه‌ای را می‌طلبد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۲۹).

تهدیدات زیست‌محیطی ارتباط وثیقی با سایر وجوه امنیتی دارد و در مواردی می‌تواند امنیت ملی جوامع بشری را نقض کند. برای مثال پدیده ریزگردها یا اپیدمی‌هایی همچون سارس و کرونا باعث اختلال و نقصان در کاکرد نهادهای جامعه می‌شود و خسارت‌های بسیاری به بار می‌آورد که به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر توان ملی تأثیر دارد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

نظریه پردازان جدید امنیت از جمله باورمندان به نظریه انتقادی نیز، معتقدند که موضوعات زیست محیطی تهدیدات آینده جوامع بشری هستند و جهان با پدیده جدیدی به نام «تهدیدات مشترک» مواجه است. نظریه پردازان انتقادی اولین نشانه تهدید امنیت زیست محیطی را محدودیت استفاده از منابع طبیعی می دانند. بدین ترتیب بحران های هویت اجتماعی نشأت گرفته از مهاجرت، ریشه در تخریب محیط زیست دارد؛ چراکه پدیده مهاجرت در اغلب موارد به دلیل تهدیدات زیست محیطی رخ می دهد (مصلی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۴۷). در ادامه منطقه غرب آسیا به عنوان یک مجموعه امنیتی بررسی می شود.

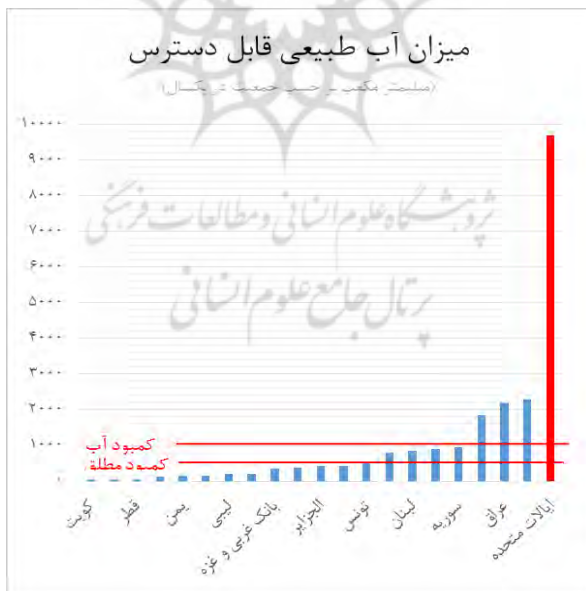
### ۱-۱. مجموعه امنیتی غرب آسیا

در مکتب کپنهاگ، مجموعه امنیتی را الگوهایی از دوستی و دشمنی تعریف می کنند. معمولاً قرار گرفتن دولت ها در حوزه تمدنی مشترک با فرهنگ مشترکی از جمله ویژگی های مجموعه امنیتی به شمار می آید. شکل گیری مجموعه امنیتی متأثر از تعامل میان ساختار آنارشیک و پیامدهای آن بر توازن قوا در بستر مجاورت جغرافیایی است. تمام دولت های یک سیستم، تا حدی درون یک شبکه جهانی وابستگی متقابل امنیتی قرار گرفته اند که نزدیکی جغرافیایی تأثیر زیادی در وابستگی امنیت آنها دارد (بوزان و الی ویور، ۱۳۸۸: ۸۷-۹۳).

منطقه غرب آسیا را می توان یک مجموعه امنیتی با وضعیتی پیچیده به شمار آورد که حضور قدرت های فرامنطقه ای، باعث پیچیده تر شدن وضعیت این منطقه شده و آن را به یکی از مناطق بحرانی نظام بین الملل تبدیل کرده است. مهم ترین عامل بحران در مجموعه امنیتی غرب آسیا، «احساس ناامنی» است. غالب کشورهای منطقه، نسبت به محیط منطقه ای خود احساس ناامنی دارند. آنها نسبت به بازیگران بین المللی و محیط هم جوار خود احساس تهدید و تردید می کنند و آن را مطلوب یا امن نمی دانند. به این ترتیب، منطقه غرب آسیا، مجموعه ای نامتوازن و ناهمگن به لحاظ جغرافیایی است که در آن نیروهای واگرا و گریز از مرکز قدرتمندی وجود دارند. شرایط حاکم بر منطقه، شکننده بوده که اختلافات مرزی \_ سرزمینی، اقلیم های متفاوت (از خشک و سوزان تا مدیترانه ای)، اقتصادهای

شکننده و رانتی، ساختارهای سیاسی ناهمگون (از افراط‌گرای مذهبی تا سکولار)، جمعیت ناهمگون، فرقه‌های توحیدی و غیر توحیدی، دارا بودن منابع متنوع و غیره از جمله علل این وضعیت است (قدسی، ۱۳۹۶: ۲۱۰-۲۱۱).

در مجموعه امنیتی غرب آسیا به دلیل انباشت حوزه‌های نزاع و سطح پایین توسعه‌یافتگی، نه تنها چشم‌انداز روشنی برای پایان درگیری‌ها وجود ندارد؛ بلکه همواره زمینه‌های جدیدی برای نزاع ایجاد می‌شود. به این معنا در کنار بحرآنهای مذهبی، قومی و زبانی اخیراً بحرآنهای زیست‌محیطی نیز به موضوع درگیری میان دولت‌های منطقه افزوده شده است. غرب آسیا منطقه‌ای گرم و خشک محسوب می‌شود و منابع آب قابل استفاده برای شرب و مصارف کشاورزی در آن اندک است. بر اساس معیارهای سازمان ملل، بسیاری از کشورهای این منطقه در زیر خط فقر آبی قرار دارند. نمودار ۱ وضعیت آب کشورهای غرب آسیا را به تصویر کشیده است. کشورهایی که زیر ۵۰۰ مترمکعب آب دارند، زیر خط فقر آبی محسوب می‌شوند (Scott, 2019: 4).



نمودار ۱. وضعیت آب کشورهای غرب آسیا

Source: CNN, 2018: 2



در کشورهای این حوزه، رشد تصاعدی جمعیت، تغییرات آب و هوایی، افزایش دوره‌های خشکسالی، کاهش منابع آبی و بالارفتن دما، بحران آبی را تشدید کرده است. با وجود اینکه منطقه غرب آسیا در طول تاریخ به‌عنوان منطقه‌ای خشک و کم آب شناخته شده، سیستم کشاورزی آن در اغلب موارد سنتی است که وابستگی به منابع آبی را بیشتر می‌کند. ارزیابی دانشمندان پانل بین دولتی تغییر اقلیم سازمان ملل<sup>۱</sup>، نشان می‌دهد منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به منطقه‌ای گرم و خشک‌تر از آنچه که در حال حاضر هست، مبدل خواهد شد. همچنین ارزیابی شده است تا سال ۲۰۵۰ میلادی بین ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر در معرض تنش و منازعه شدید آبی قرار خواهند گرفت. از سوی دیگر تولید محصولات کشاورزی به‌طور محسوسی کاهش می‌یابد، بیابان‌زایی و در پی آن بالارفتن خسارت ریزگردها، شیوع بیماری‌های تنفسی و سرطانی، کمبود منابع درآمدی، افزایش بیکاری، تشدید آسیب به صنعت گردشگری و همراه آن افزایش جمعیت و سوءتغذیه، تغییرات محیط زیستی و اقلیمی از جمله افزایش توفان نمک و شن، بالا آمدن سطح آب دریاها تا سال ۲۰۵۰ میلادی، افزایش تخریب بر اثر سیل و از بین رفتن پوشش جنگل‌ها و مراتع رخ می‌دهد (قدسی، ۱۳۹۶: ۲۱۸-۲۱۹). با توجه به موارد گفته شده، پروژه سدسازی گاپ می‌تواند در آینده‌ای نزدیک به تحولات مخرب زیست‌محیطی بیانجامد.

## ۲. پروژه سدسازی گاپ

پروژه گاپ در ترکیه از اوایل دهه ۱۹۷۰ با هدف ارتقاء توسعه در نُه استان کردنشین این کشور شامل؛ «آدیامان»<sup>۱</sup>، «باتمان»<sup>۲</sup>، «دیاربکر»<sup>۳</sup>، «غازی عیتاپ»<sup>۴</sup>، «کیلِس»<sup>۵</sup>، «سیرت»<sup>۱</sup>، «شانلی‌اورفه»<sup>۲</sup>، «ماردین»<sup>۳</sup> و «شرناق»<sup>۴</sup> آغاز شد. این پروژه

1. IPCC
2. Adiyaman
3. Batman
4. Diyarbakir
5. Gaziantep
6. Kilis

شامل احداث ۲۲ سد و نوزده نیروگاه برق آبی بر روی رودخانه‌های دجله و فرات و انشعابات آن می‌شود. در پایان سال ۲۰۱۹ دولت ترکیه که ۳۲ میلیارد دلار در پروژه گاپ سرمایه‌گذاری کرده است (وبسایت پروژه گاپ، ۲۰۱۱: ۵)، توانست از هشت سد بر روی دجله و چهارده سد بر روی فرات بهره‌برداری کند.



منطقه سبز محل اجرای پروژه گاپ

## ۱-۲. اهداف پیش‌بینی شده پروژه گاپ

دولت ترکیه برای پروژه گاپ، در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اهدافی را تعریف کرده که به تفکیک در ادامه می‌آید:

### ۱-۱-۲. اهداف سیاسی داخلی

- پایین آوردن توان عضوگیری سازمان‌های کردی
- کاهش تنش میان اقلیت کردی و اکثریت ترک ترکیه
- ایجاد تمایز میان کردهای ترکیه و کشورهای همسایه و کاهش خطر گرایش‌های تجزیه‌طلبانه

### ۱-۲-۲. اهداف سیاسی خارجی

- کاهش وابستگی دولت ترکیه به برق و محصولات کشاورزی همسایگان

1. Siirt
2. Sanliurfa
3. Mardin
4. Sirnak

- \_ افزایش قدرت چانه‌زنی ترکیه در موضوعات سیاسی منطقه با اهرم آب
- \_ تأمین نیازهای انرژی ترکیه با راهبرد آب در برابر نفت

### ۲-۱-۳. اهداف اقتصادی

- \_ توسعه کشاورزی مدرن
- \_ تأمین آب مورد نیاز برای آبیاری ۱,۹ میلیون هکتار زمین کشاورزی (Warner, 2012: 5)
- \_ تأمین ۲۵ درصد برق کشور (ظرفیت نیروگاه‌ها تولید روزانه ۷۴۷۶ مگاوات برق است که سالانه به ۲۷ میلیارد کیلووات ساعت می‌رسد) (Tsakalidou, 2013:3).

### ۲-۱-۴. اهداف اجتماعی

- \_ ارتقای کیفیت زندگی در مناطق کردنشین ترکیه
- \_ کنترل موضوع مهاجرت
- \_ کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن
- \_ ارتقای سطح بهداشت عمومی
- \_ کاهش شکاف‌های مبتنی بر بازتوزیع کالا و خدمات در مناطق کردی

### ۲-۲. پروژه گاپ و اعتراضات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی

محور اعتراضات به پروژه گاپ در سه سطح تحلیل می‌شود که عبارتند از:

#### الف) سطح داخلی

- کردهای منطقه جنوبی شرقی آناتولی؛ پروژه گاپ را اقدامی سیاسی و نه عمرانی می‌دانند که به دنبال ایجاد تمایز میان کردهای ترکیه با کردهای کشورهای همسایه است؛ اما معتقدند هدف اصلی و پنهان این پروژه، ادغام کردهای ترکیه در جامعه و هویت ترکی این کشور است.
- روزنامه‌نگاران و دانشگاهیان ترکیه؛ نگران تخریب آثار باستانی و فرهنگی ترکیه و آسیب‌های زیست‌محیطی آن در داخل ترکیه و همچنین تأثیرات منطقه‌ای

بر روابط ترکیه با دیگر همسایگان و پیامدهای سوء آن در محیط زیست و جمعیت همسایگان هستند.

### (ب) سطح منطقه‌ای

● عراق، سوریه و ایران

● نگرانی بابت پیامدهای زیست‌محیطی پروژه گاپ

وقتی دولت ترکیه در اوایل دهه ۱۹۷۰ اعلام کرد قصد اجرای این پروژه را دارد، با واکنش شدید دولت‌های عراق (صدام حسین) و سوریه (حافظ اسد) مواجه شد و به این ترتیب اجرای پروژه به تعویق افتاد (Qarehgozlou, 2017: 3-4). دولت ترکیه در سال ۱۹۷۸ با هدف مهیا کردن شرایط از سرگیری اجرای پروژه گاپ با دولت سوریه در مورد منابع آبی دجله و فرات قراردادی منعقد کرد که یکی از مفاد آن پذیرش ورود سالانه ۵۰۰ مترمکعب در ثانیه آب به سوریه بود. با شروع تحریم‌های بین‌المللی علیه دولت‌های عراق و سوریه در دو دهه گذشته و حمله خارجی (عراق ۲۰۰۳) و همچنین جنگ‌های داخلی در این دو کشور (عراق ۲۰۱۴-۲۰۱۷ و سوریه از ۲۰۱۱ تاکنون) که منجر به تضعیف دولت‌های نامبرده شد، ترکیه اجرای پروژه سدسازی را با سرعت پیش برد (Güncelleme, 2012: 4).

بر اساس زمان‌بندی اعلام‌شده دولت ترکیه، این پروژه در سال ۲۰۱۹ به بهره‌برداری رسید و با بهره‌برداری از این پروژه آب وارد شده به کشورهای عراق و سوریه به شدت کاهش یافته است؛ برای مثال ترکیه بهره‌برداری از دو سد «آتاتورک»<sup>۱</sup> و «ایلیسو»<sup>۲</sup> را در سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۱۸ آغاز کرد و توانست به وسیله سد آتاتورک ۵۰ میلیارد مترمکعب آب ذخیره کند و پیش‌بینی می‌شود با بهره‌برداری از سد ایلیسو که ۱,۸۱۰ متر طول و ۱۳۵ متر ارتفاع دارد ۱۰,۴ میلیارد مترمکعب آب دجله را ذخیره نماید که نتیجه مستقیم آن کاهش ورود آب به کشورهای همسایه ایران بوده است. در حال حاضر، ورود آب از ترکیه به عراق را

1. Atatürk

2. Ilisu

به شدت کاهش داده و از ۵۱ میلیارد به ۱۱ میلیارد مترمربع رسانده است. در نتیجه دشت‌ها و تالاب‌های سوریه و عراق به‌ویژه تالاب هورالعظیم عراق خشک شده است. با خشک شدن مراتع و دشت‌های مرکزی این دو کشور به‌ویژه عراق، سرچشمه‌های ریزگردهایی که مقصدشان استان‌های غربی ایران است، چندین برابر شده و معضلات زیست‌محیطی زیادی برای شهروندان و دولت ایران ایجاد کرده است که به موضع‌گیری مقامات سیاسی کشور منجر شده است (IFP, 2018: 2).

توجه به این مسئله ضروری است که دجله و فرات، نقش مهمی در زیست‌بوم کشورهای عراق، سوریه و ایران داشته است و با امنیت این کشورها نیز ارتباط وثیقی دارند، به‌گونه‌ای که ترکیه، عراق و سوریه منطقه‌ای «هیدرو سیاسی»<sup>۱</sup> را تشکیل می‌دهند و هر تحولی در هر یک از حوزه‌های مذکور رخ دهد، به تغییر در حوزه‌های دیگر منجر می‌شود (Warner, 2012: 5)؛ بنابراین مشکلات امنیتی این سه کشور را براساس نظریه «مجموعه امنیت منطقه‌ای مکتب کپنهاگ» باید در کنار یکدیگر تجزیه و تحلیل کرد.

#### پ) سطح بین‌المللی

● نهادهای مدنی بین‌المللی و برخی نهادهای دولتی در اروپا و آمریکا در سال ۲۰۰۹ دولت ترکیه تعدادی از شرکت‌های آمریکایی و اروپایی را برای همکاری در پروژه گاپ دعوت کرد (Ilisu Dam Campaign, 2000: 6). پس از مدتی شرکت‌های اروپایی با اعتراضات مردم محلی ترکیه در جنوب شرقی این کشور که پروژه سدسازی در آن اجرا می‌شود و همچنین اعتراض نهادهای مدنی خود در داخل کشورهای مبدأ مواجه شدند. کردهای ترکیه این پروژه را موجب آواره شدن خود می‌دانند؛ زیرا چندین شهر باستانی را در این کشور زیر آب فرو خواهد برد و ضمن از بین بردن درآمدهای گردشگری آنان، موجب از بین رفتن تاریخ مردم این جوامع خواهد شد. اعتراض نهادهای مدنی اروپا نیز به دلیل اثرات

سوء این پروژه بر وضعیت زیست‌محیطی همسایگان ترکیه بوده است (Cooke, 2019: 3).

بر اساس برآورد سازمانهای اروپایی و آمریکایی، با اجرای این پروژه ۷۸ هزار نفر در ترکیه آواره می‌شوند که غالب آنها از قومیت کرد هستند؛ این امر می‌تواند به گسترش نزاع‌های قومی در ترکیه منجر شود. همچنین ۱۸۳ روستا و شهر کوچک به زیر آب فرو می‌رود که دو شهر آن قدمتی ۱۲ هزار ساله دارند؛ معروف‌ترین شهر باستانی این ناحیه «حسنکیف» (حصن کیفا) نام دارد. در سال ۱۹۹۹-۲۰۰۰ با فشار نهادهای مدنی اروپایی و آمریکایی، چهار کشور آمریکا، بریتانیا، آلمان و ایتالیا کمیته‌ای برای بررسی پیامدهای انسانی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی پروژه گاپ بر مردم ساکن در جنوب شرقی ترکیه تشکیل دادند و به این نتیجه رسیدند که این پروژه اثرات زیان‌باری بر کردهای ترکیه خواهد داشت. برخی از اطلاعات به دست آمده توسط کمیسیون آمریکایی - اروپایی به شرح زیر است:

- این طرح آسیب جدی به آثار باستانی چند شهر منطقه جنوب شرقی ترکیه از جمله شهر «حصن کیفا» وارد خواهد کرد و دولت ترکیه برای مصون نگه داشتن آثار تاریخی این منطقه، اقدام جدی انجام نداده است.
- دولت ترکیه برنامه مشخصی برای اسکان مجدد ساکنان شهرها و روستاهایی که به دلیل اجرای پروژه سدسازی به زیر آب فرو خواهند رفت، ندارد؛ بنابراین به طور حتم، بحران مهاجرتی در این کشور تشدید خواهد شد.
- کیفیت آب دجله با اجرای پروژه سدسازی پایین خواهد آمد که روی محیط زیست ترکیه و کشورهای همسایه آن تأثیر سوء خواهد داشت.
- دولت ترکیه برای اجرای پروژه عظیم سدسازی گاپ، با هیچ‌یک از کشورهای همسایه که تحت تأثیر رودهای دجله و فرات هستند، مشورت نکرده است؛ درحالی‌که با اجرای این پروژه، تأثیرات سوء محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی در کشورهای همسایه ایجاد خواهد شد (Ilisu Dam Campaign, 2000: 6).

نتیجه این اعتراضات و تحقیقات خروج شرکت‌های اروپایی از این پروژه بود. در جدول زیر اسامی شرکت‌های اروپایی که با پروژه گاپ در ساخت سد ایلیسو همکاری داشتند و بر اثر فشارهای نهادهای مدنی بین‌المللی از ترکیه خارج شدند، آورده شده است.

جدول ۱. شرکت‌های همکار با پروژه گاپ تا قبل از اعتراضات نهادهای مدنی

ردیف	نام شرکت	کشور مبدأ
۱	آلستوم (Alstom)	فرانسه _ بریتانیا
۲	سولدر هیدرو	سوئیس _ آلمان _ اتریش
۳	بالفور بیٹی (Balfour Beatty)	بریتانیا
۴	ایمپره کیلو (Impregilo)	ایتالیا

گفتنی است علی‌رغم مخالفت جامعه جهانی با همکاری شرکت‌ها و کشورهای مختلف با پروژه گاپ، رژیم صهیونیستی به وسیله شرکت‌های مهندسی‌اش، بخشی از تکنولوژی لازم برای اجرای این پروژه را در اختیار دولت ترکیه قرار داده است. رژیم صهیونیستی که برای توسعه کشاورزی و صنعتی به منابع آبی نیاز دارد و جهت تأمین آن اقدام به حضور پرهزینه نظامی در کرانه باختری رود اردن و تنش با لبنان و اردن شده (Pamukcu, 2003: 10)، از اجرای این پروژه حمایت کرده است؛ زیرا ارتقای ظرفیت‌های آبی دولت ترکیه به‌عنوان دولتی که با آن روابط گسترده اطلاعاتی و تجاری دارد، می‌تواند نیازهای آبی این رژیم را تأمین کند.

رژیم صهیونیستی با حمایت از این پروژه شرایط را برای تشدید اختلافات میان کشورهای مسلمان غرب آسیا به‌ویژه متحدان منطقه‌ای ایران فراهم می‌کند. هدف دیگر صهیونیست‌ها از همکاری با ترکیه در اجرای پروژه گاپ استفاده از ابزار آب در راستای دستیابی به اهداف منطقه‌ای‌شان است؛ برای مثال در سال ۲۰۰۸ که رژیم صهیونیستی قصد داشت با وساطت ترکیه با دولت سوریه وارد مذاکره شود، دولت ترکیه را مجاب کرد از حربه آب استفاده کند. مقامات آنکارا نیز تلاش کردند «بشار اسد» را با مشوق‌هایی آبی راضی کنند که وارد مذاکرات سازش با رژیم صهیونیستی شود (Jenkins, 2008: 13). توجه به این نکته ضروری است که این اقدام ترکیه در راستای تسهیل شرایط برای پیوستن به اتحادیه اروپا

انجام شده؛ چراکه در نگاه ترکیه، یکی از راه‌های جلب اعتماد اروپاییان، همراهی با رژیم صهیونیستی است.

### ۳. پروژه سدسازی گاپ راهی جدید برای نوعثمانی‌گری ترکیه

نوعثمانی‌گری جریان فکری است که در نتیجه ارتقاء سطح سواد طبقه «بورژوازی اسلامی» در اواخر قرن بیست شکل گرفت و در سال‌های اخیر به یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی ترکیه تبدیل شده است. سه دهه پیش که ترکیه، شمال قبرس را اشغال کرد، تحلیل‌گران یونانی از این عمل با عنوان «نوعثمانی‌گری در سیاست خارجی دولت ترکیه» یاد کردند. این اصطلاح یک بار دیگر در دوران «تورگوت اوزال» در سخنرانی رئیس جمهوری ترکیه استفاده شد. با پیروزی حزب عدالت توسعه و روی کار آمدن «رجب اردوغان» در ترکیه، تغییرات جدی در رفتار خارجی این کشور در قبال مسائل پیرامونی و بین‌المللی شکل گرفت که حاکی از استیلا رویکرد نوعثمانی‌گری در سیاست خارجی این کشور است.

ترکیه در حال تبدیل شدن به پنجمین اقتصاد بزرگ اروپا و هفدهمین اقتصاد بزرگ در جهان شده و با انتخاب نوعثمانی‌گری تلاش دارد به بازیگری مستقل مبدل شود. نوعثمانی‌گری، واکنش آنکارا به انتظارات آمریکا و غرب، از این کشور در حوزه سیاست خارجی بر مبنای نیازهای استراتژیک و ژئوپلیتیک خودشان و خلاف خواست این کشور در گذشته است. در حقیقت، ترکیه به دنبال حداکثرسازی مطلوبیت‌های خود بر اساس متغیرهای تاریخی و هویتی در سطح منطقه و جهان است به گونه‌ای که در صدمین سالگرد تاسیس جمهوری ترکیه در سال ۲۰۲۳، در مجموعه امنیتی غرب آسیا به‌عنوان مرکز و در نظام بین‌الملل به‌عنوان بازیگری مطرح شناخته شود (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۵۹-۲۶۰).

نتیجه این تغییرات، فعال‌تر شدن در منازعه فلسطین و رژیم صهیونیستی، نقش‌آفرینی جدی در منازعه قره‌باغ، تلاش برای حضور در سوریه، تقابل با قدرت‌های عربی منطقه و فاصله گرفتن از آمریکا است. همچنین در قالب مأموریت ناتو در افغانستان و نیروهای سازمان ملل مستقر در لبنان مشارکت نمود. در سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان کنفرانس اسلامی، نقش فعال‌تری ایفا نموده



است (عبدالهی، ۱۳۹۵: ۵). بدین ترتیب مؤلفه‌های تشکیل دهنده دکترین عمق استراتژیک ترکیه در دوره نعثمانی‌گری در سیاست خارجی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. ایفای نقش پررنگ، مؤثر و متناسب با تاریخ گذشته و عمق جغرافیایی در

مسائل منطقه

۲. توجه به قدرت نرم برای اجرای بهتر سیاست‌ها؛

۳. اشاعه الگوی حکمرانی به کشورهای منطقه؛

۴. تمرکز بر اقتصاد و دیپلماسی اقتصادی؛

۵. مشارکت مؤثر در مدیریت بحران‌های منطقه؛

۶. اولویت دادن به کشورهای منطقه به‌ویژه حوزه نفوذ سنتی امپراتوری

عثمانی به جای پیوستن به اتحادیه اروپا؛

۷. پایه‌ریزی همکاری‌های سیاسی - امنیتی و اقتصادی با کشورهای منطقه

جهت کاهش نفوذ قدرت‌های خارجی (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۱).

بنابراین با توجه به پیش‌بینی‌ها درخصوص آینده شرایط اقلیمی در غرب آسیا و سرمایه‌گذاری عظیم ترکیه در پروژه سدسازی گاپ، دور از انتظار نیست که آنکارا مبتنی بر رویکرد نعثمانی‌گری به دنبال قبضه کلید جریان آب، در آینده بی‌آب غرب آسیا باشد تا اهداف توسعه‌طلبانه منطقه‌ای خود را دنبال کند. برای مثال در سال ۱۹۹۲ نخست‌وزیر وقت ترکیه «سلیمان دمیرل» گفت: «تا زمانی که کشورهای عراق و سوریه با «پکک» همکاری می‌کنند بر سر میز مذاکره درباره آب نخواهد نشست» (شبانی، ۱۳۹۶: ۲). بدین ترتیب، ترکیه به دنبال استفاده از این منبع حیاتی به‌عنوان ابزاری است تا بتواند با تغییر نقشه هیدروپلیتیک این مناطق بر شرایط ژئواستراتژیک مناطق مزبور تأثیر گذارده و با مطرح کردن خود در منطقه به‌عنوان یک هیدروهمژمون، در جستجوی برپا نمودن مجدد پایه‌های امپراطوری عثمانی باشد (نقیبی، ۱۳۹۳: ۳).

ترکیه هم یک برنامه بلندمدت توسعه‌ای تحت عنوان «چشم‌انداز ۲۰۲۳» دارد. در حوزه سیاست خارجی، سند چشم‌انداز ۲۰۲۳ ترکیه بر سیاست خارجی پیشرو

و نوآور، تأکید دارد. در گزارش وزارت امور خارجه ترکیه در خصوص منابع آبی این‌گونه بیان شده که سیاست منابع آبی ترکیه در راستای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی، امنیت آبی و مواد غذایی است و بدین ترتیب براساس روند مذاکرات با اتحادیه اروپا و تحولات منطقه صورت می‌گیرد (قائم مقامی، ۱۳۹۶: ۹۸). مسئله حایز اهمیت دیگر این مسئله است که تولید انرژی برق از منابع آبی پروژه گاپ، نیاز ترکیه به خرید نفت را به شکل فراوانی کاهش می‌دهد و حدود ۴۰ درصد انرژی جایگزین سوخت فسیلی را تأمین می‌کند. در نتیجه وابستگی این کشور به همسایگان خود برای تأمین انرژی کاسته می‌شود و جایگاه آن در سیاست خارجی منطقه‌ای تقویت می‌شود.

اگرچه بحث نوع‌مانی‌گری، هویتی و فرهنگی است باید در نظر داشت کشوری می‌تواند از نظر فرهنگی مقدم و پیشرو شود که الزامات اولیه در درون کشورش به لحاظ اقتصادی تأمین شده باشد. ترکیه با اجرای پروژه گاپ، دو هدف عمده زیر را دنبال می‌کند:

الف) کنترل کل جریان آب دجله و فرات که بخشی از این آب‌ها به عراق و سوریه تعلق دارد؛

ب) محدودکردن تخصیص آب به کشورهای پایین‌دست که این امر در آینده به وابستگی سیاسی بیشتر این کشورها به ترکیه منجر خواهد شد (ستاری، ۱۳۹۶: ۴).

#### ۴. تهدیدات امنیتی پروژه گاپ برای جمهوری اسلامی ایران و منطقه غرب آسیا

شواهد بسیاری حاکی از آن است که بحران آب در ایران و منطقه غرب آسیا در سال‌های آتی به تهدید جدی امنیتی و تمدنی مبدل خواهد شد تا جایی که نظم سیاسی موجود در منطقه را دگرگون کند، منازعات قومی و جنگ‌های داخلی را تشدید نماید و کشورهای عراق، سوریه، ایران و ترکیه را درگیر مناقشات منطقه‌ای کند.

در دو دهه اخیر، استان‌های غربی و جنوب غربی ایران با بحران افزایش دما و

پدیده ریزگردها مواجه شده‌اند که روزه‌روز تشدید می‌شود تا جایی که در سال‌های اخیر به بحرانی زیست‌محیطی در کشور تبدیل شده است. بر اساس برآوردها، با بهره‌برداری کامل از پروژه گاپ، منابع آبی که از ترکیه وارد سوریه می‌شوند، ۴۰ درصد و منابع وارداتی به عراق ۸۰ درصد کاهش می‌یابند؛ به این ترتیب، نه تنها دو کشور یادشده با مشکل جدی مواجه می‌شوند، بلکه ایران نیز به دلیل خشکی بیش از حد دشت‌های سوریه و دشت‌های مرکزی عراق و چند برابر شدن سرچشمه‌های ریزگردها، با افزایش بی‌سابقه دما و بحران ریزگردها مواجه خواهد شد.

دیپلمات‌های ایرانی با بحرانی شدن این وضعیت، نسبت به اثرات مخرب پروژه سدسازی ترکیه اعتراض کردند و دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، نیز در سال ۱۳۹۶ به‌صراحت از پروژه سدسازی ترکیه و آثار مخرب آن در ایران و دیگر کشورهای منطقه انتقاد کرد. ایشان در نطقی گفتند: «احداث سد و بندها بدون مطالعه کافی و در نظر گرفتن آثار زیست‌محیطی آن می‌تواند برای آینده منطقه خطرناک باشد؛ لذا باید بسیاری از این‌گونه فعالیت‌ها متوقف شود» (روزنامه شرق، ۱۳۹۶: ۳). وزیر نیروی ایران نیز در موضعی همسو با رئیس‌جمهور اعلام کرد: «در آینده نزدیک، منابع آبی غرب آسیا ۱۰ درصد کاهش و به موازات آن تقاضا برای آب ۶۰ درصد افزایش خواهد یافت».

به‌رغم این اعتراضات، مقامات سیاسی و دیپلماتیک ترکیه حاضر به پذیرش مسئولیت خود در قبال بحران محیط زیستی ایران نشده‌اند و سفیر ترکیه در تهران ضمن رد اعتراضات مقامات ایرانی، آنها را فاقد سند محکم دانسته و خواستار ارائه اسناد دقیقی در خصوص تأثیر سدسازی ترکیه بر ایجاد مشکل گرد و غبار در استان‌های مرزی ایران شده است (tehrantimes, 2017: 1). مقامات سیاسی آنکارا مدعی هستند که در دوران حاکمیت رژیم بعث عراق، سیاست‌های غلط این رژیم منجر به خشک شدن تالاب مرکزی عراق شده است و بحران ریزگردها به آن دوره مربوط می‌شود.

تصاویر ماهواره‌ای از استان‌های غربی و جنوب غربی ایران نشان می‌دهد که

۲۰ درصد بحران گرد و غبار منشأ داخلی دارد و ۸۰ درصد باقی مانده از کشورهای عراق، سوریه، عربستان سعودی، پاکستان، افغانستان و ترکمنستان وارد ایران می‌شوند. مقامات آنکارا حتی مشارکت سازمان‌های بین‌المللی در این زمینه را نیز رد کرده‌اند. آنها معتقدند آب دجله و فرات و مسئله سدسازی جزء حقوق اساسی ترکیه است، قابل واگذاری به دیگر کشورها نبوده و نیازی نیست با سازمان‌های بین‌المللی به مشورت گذاشته شود (Qarehgozlu, 2017: 8).

مشکل زمانی بیشتر می‌شود که دولت ترکیه آگاهانه از پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص استفاده مشترک از آبراهه‌های بین‌المللی مانند «کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک» سر باز زده است. این مسئله زمینه را برای اقدام یک‌جانبه دولت ترکیه در بهره‌برداری از منابع آبی دجله و فرات فراهم کرده است. در سطح منطقه‌ای، حدود ۸۵ درصد آب شیرین عراق از این دو رود تأمین می‌شود. البته وضعیت داخلی عراق تأثیر جدی بر روند اجرای پروژه گاپ داشته است؛ چرا که فرآیند تکمیل سدها و نیروگاه‌های ترکیه پس از اشغال عراق توسط آمریکا، سرعت بیشتری یافت. بروز جنگ داخلی ناشی از تسلط داعش بر مناطق شمال غربی عراق نیز سبب کم‌توجهی بیشتر دولت عراق به این مسأله و سوءاستفاده روزافزون دولت ترکیه شده است (مینایی، ۱۳۹۶: ۵). با توجه به کاهش حجم آب رودخانه علاوه بر ضربه به کشاورزی این کشور، بخش عظیمی از نیازمندی آب شرب جامعه عراق آسیب دیده است.

از منظر بهداشتی کاهش حجم آب رودخانه، آلودگی‌های آبی را افزایش داده و باعث تکثیر بیش از پیش بیماری‌های واگیردار مانند حصبه می‌شود. نکته‌ای که با در نظر گرفتن احتمال جاری شدن فاضلاب کشاورزی و یا موارد دیگر ناشی از توسعه صنعتی جنوب شرقی ترکیه به آب جاری در عراق، می‌بایست بیش از پیش نسبت به آن هشیار بود تأثیر منفی پروژه گاپ بر امنیت غذایی عراق است. از منظر سیاسی نیز این پروژه تنش‌های داخلی میان بغداد و اربیل را تشدید می‌کند؛ زیرا اقلیم کردستان به واسطه مجاورت جغرافیایی با مرزهای ترکیه، فارغ از اراده دولت مرکزی اقداماتی برای مهار آب باقی مانده و جاری شده در خاک عراق انجام دهد

که با توجه به فقدان انسجام ساخت سیاسی در بغداد، به تنش خواهد انجامید (کیانی: ۱۳۹۷: ۱۱). در مجموع عراق ادعا می‌کند مسائل و مشکلات زیر در صورت اجرای کامل پروژه گاپ متوجه عراق خواهد شد

۱. کمبود آب: با اجرای کامل پروژه گاپ، رودخانه فرات ۷۰ درصد از آب خود را از دست خواهد داد.

۲. عدم امنیت غذایی: با کاهش آب‌های ورودی به عراق، بخش کشاورزی این کشور آسیب جدی خواهد دید و واردات انواع مختلف مواد غذایی افزایش خواهد یافت و کشور عراق بیش از پیش به کشورهای خارجی وابسته خواهد شد.

۳. نگرانی‌های بهداشتی: با کاهش ورود آب‌های شیرین و عدم تغذیه سفره‌های زیرزمینی، شوری و آلودگی لایه‌های آبدار زیرزمینی افزایش خواهد یافت. آب‌های شور خلیج فارس به دلیل کاهش حجم اروندرود (شط‌العرب) به سمت بصره نفوذ خواهند یافت و کیفیت آب‌های این منطقه را کاهش خواهند داد. در نتیجه، مرگ‌ومیر انواع جانوران از جمله ماهی‌ها افزایش خواهد یافت؛ تا جایی که از دهه ۱۹۹۰ تاکنون جمعیت ماهی‌های این منطقه به نصف کاهش یافته است (ستاری، ۱۳۹۶: ۵-۶).

آب‌گیری بیش از حد معمول در سد آتاتورک توسط ترکیه در کنار نداشتن کفایت لازم از سوی دولت سوریه جهت مدیریت منابع آب زیرزمینی و سطحی، سبب خشک‌سالی در سال‌های پس از ۲۰۰۶ شد که تبعات امنیتی جدی بر وضعیت سوریه گذاشته است. طی این خشک‌سالی در شمال شرقی سوریه، حدود ۸۵ درصد احشام تلف شده و ۷۵ درصد کشاورزان محصولاتشان را از دست دادند و در نتیجه تا سال ۲۰۱۰ نزدیک به یک میلیون نفر از وطن خویش مهاجرت کردند. مسأله‌ای که موجب گرانی ۳۰ درصد مواد غذایی شد و دولت سوریه را وادار به هزینه‌کرد گزافی در حوزه واردات گندم ساخت (بدیعی، ۱۳۹۴: ۱). این مسئله از منظر بسیاری جرقه جنگ داخلی سوریه را رقم زده است.

تکمیل سدهای طراحی شده بر فرات و افزایش هژمونی آن در حوزه منابع طبیعی، توان چانه‌زنی دولت ترکیه در مذاکرات مرتبط با تعیین آینده سیاسی

سوریه را نیز تقویت کرده است. مسئله‌ای که می‌تواند در راستای استقرار نیروهای نزدیک به ترکیه در مناطق شمالی سوریه و ایجاد کمربندی جهت مقابله با نفوذ گروه‌های کُردی مورد استفاده قرار بگیرد. همچنین اختلافات آبی میان عراق و سوریه بر سر چگونگی سهمیه‌بندی آب ورودی فرات میان این دو کشور نیز تشدید خواهد شد به‌ویژه که عراق سهمی از سرچشمه‌های این رودخانه ندارد. جالب آنکه با تکمیل پروژه گاب، ترکیه آبی را که از منظر طبیعی جزئی از حقوق دولت‌های عراق و سوریه به‌شمار می‌رود به آنها می‌فروشد تا به این ترتیب بخشی از هزینه‌های بالای این طرح را به‌طور تدریجی جبران نماید (کیانی: ۱۳۹۷: ۱۲).

ترکیه برخلاف توافق ۱۹۸۷ با سوریه، مقدار بیشتری از آب فرات را برداشت کرده و بایستی حق‌آبه قانونی سوریه را رها سازد تا کشاورزی منطقه آسیب نیند. چون ترکیه توافق قبلی را نقض کرده، سوریه حق اعتراض دارد. عراق به دلیل درگیری‌های داخلی، فرصت کافی برای مدیریت آب‌های داخلی یا مشترک مثل دجله را نداشته و در برخی سال‌ها با سیلاب‌های ویرانگر و در سال‌های دیگر با خشک‌سالی مواجه بوده است. دولت آنکارا می‌تواند با مهار آب دجله، مقدار ثابتی آب را رها سازد، ولی باید توافقی در این زمینه صورت گیرد تا وضعیتی که برای سوریه پیش آمده، برای عراق تکرار نشود (ستاری: ۱۳۹۶: ۷). در جدول ذیل به‌طور خلاصه تهدیدهای این پروژه برای جمهوری اسلامی ایران آمده است:

جدول ۲. تلخیص تهدیدات پروژه گاب برای جمهوری اسلامی ایران

ردیف	تهدیدات سیاسی	تهدیدات اقتصادی	تهدیدات اجتماعی	تهدیدات زیست‌محیطی
۱	فعال کردن شکاف‌های قومیتی میان نظام جمهوری اسلامی ایران و اقلیت‌های قومی عرب، کرد و بختیاری	مهاجرت نیروی متخصص در بخش‌های مختلف از جمله پزشکی و فنی - مهندسی از استان‌های غربی و جنوب غربی به فلات مرکزی ایران	مهاجرت گسترده جمعیت از استان‌های غربی و جنوب غربی کشور و خالی از سکنه شدن و افزایش ضریب نامنی در این استان‌ها	افزایش ریز گردهای به مناطق جنوب غرب و استان‌های محروم خوزستان، لرستان و ایلام که در نهایت باعث افزایش نارضایتی عمومی می‌شود
۲	ایجاد و تقویت گرایش‌های تجزیه‌طلبی در غرب و جنوب غربی کشور ناامن کردن مرزهای غربی کشور و بالا	کمیود نیروی کار در بخش کشاورزی و کاهش صادرات استان حاصل‌خیز خوزستان (که ۴۰ درصد	افزایش حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ مرکزی	افزایش بیابان‌زایی و خشک‌سالی در تالاب‌ها و باتلاقی‌ها

		سهم صادرات کشاورزی ایران را به خود اختصاص داده است).	بردن آسیب‌پذیری نظام در برابر تروریسم تکفیری	
تخریب زیست‌بوم محیطی خلیج فارس و شوری بیش از اندازه آب	افزایش آسیب‌های اجتماعی در شهرهای بزرگ	کاهش نیروی متخصص در بخش استخراج نفت و ایجاد اختلال در این صنعت حساس	بی‌ثباتی در عراق که علاوه بر تضعیف جبهه مقاومت بر ثبات و امنیت ایران نیز تأثیر مستقیم خواهد داشت	۳
تخریب زیست‌بوم جانوری و گیاهی، جنگل‌ها و مراتع	افزایش تقاضا برای دریافت خدمات شهری از نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران	ایجاد اختلال در تولید فولاد خوزستان	افزایش تنش‌های آبی بین ایران و عراق بر سر منابع و حوضچه‌های آبی مشترک	۴
تغییرات اقلیمی و فرسایش خاک	بروز بحران ناکارآمدی	کاهش صادرات و کمبود ارز خارجی	القای ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح داخلی و منطقه‌ای، ایجاد فضای کنشگری برای رسانه‌های غربی، عربی و عبری برای فضا سازی تبلیغاتی علیه ایران. (برای مثال صهیونیست‌ها این گرد و غبار را نشانه مجازات الهی خداوند برای جمهوری اسلامی ایران به دلیل فعالیت‌هایش علیه این رژیم دانسته‌اند.) (آدام الیاهو بر کوویتز، ۲۰۱۸)	۵
-	-	-	افزایش تنش‌ها بین ایران و ترکیه	۶

### نتیجه‌گیری

پروژه سد های گاپ از حدود سی سال پیش در جنوب شرقی ترکیه، با احداث ۲۲ سد بر روی رودخانه‌های دجله و فرات آغاز شده است. این پروژه حق‌آبه سایر کشورهای غرب آسیا از دجله و فرات را نادیده گرفته و با تقلیل محسوس منابع آبی کشورهای عراق و سوریه منجر به تغییر اکوسیستم این دو کشور و بحران بی‌آبی و خشک شدن تالاب‌های مرکزی در این کشورها شده است.

این پروژه ضمن تشدید بحران آب، افزایش دما و ریزگردها را در استان‌های غربی و جنوب غربی ایران در پی داشته و با نزدیک شدن به زمان بهره‌برداری ترکیه از سد ها، وضعیت بحرانی‌تری را ایجاد کرده است. این بحران به‌رغم ماهیت زیست‌محیطی به‌سرعت به بحران سیاسی \_ امنیتی در استان‌های مرزی ایران تبدیل

شده است. آثار سوء داخلی و منطقه‌ای این پروژه باعث واکنش دولت‌های همسایه، نهادهای مدنی ترکیه و سازمان‌های بین‌المللی شده و در مقاطعی مانع ادامه همکاری شرکت‌های اروپایی و آمریکایی با این پروژه گردیده، اما در این میان رژیم صهیونیستی با اهداف داخلی و منطقه‌ای همواره از اقدام دولت ترکیه در این زمینه حمایت کرده است. به نظر می‌رسد دولت ترکیه برای پیشبرد مقاصد سیاسی منطقه‌ای خود درصدد استفاده از منابع آبی ذخیره شده در پشت سدهای گاپ است. در همین زمینه احتمال پیش گرفتن راهبرد «آب در برابر نفت» بسیار زیاد است.

این راهبرد ضمن تأمین نیازهای انرژی ترکیه، دولت‌های نفت‌خیز منطقه را در حیاتی‌ترین نیازهایش به ترکیه وابسته می‌کند و زمینه را برای احیای سلطه منطقه‌ای دولت ترکیه فراهم می‌سازد. در نتیجه منطبق با نظریه امنیت منطقه‌ای مکتب کپنهاگ و آنچه به‌عنوان گفتمان نوع‌ثمنانی‌گری در سیاست خارجی ترکیه شناخته می‌شود، می‌توان پیش‌بینی کرد که با توجه به شرایط اقلیمی پیش روی غرب آسیا، در آینده نزدیک جریان جریان آب در دست ترکیه قرار خواهد گرفت و در آینده بی‌آب منطقه، نقش‌آفرینی این کشور در حوزه امنیت زیست‌محیطی از هر زمانی برجسته تر شود.

در این مقاله سعی شد با کاربست مکتب کپنهاگ، که بر امنیت موسع در برابر امنیت مضیق و نگاه چند بعدی به مقوله امنیت تأکید دارد، پیامدهای پروژه گاپ بررسی و تحلیل شود. در انتها پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران با همکاری نهادهای دیپلماتیک عراق و سوریه، سیاست هماهنگی را علیه اقدامات دولت ترکیه در حوزه آبی دجله و فرات اتخاذ نماید. همچنین از ظرفیت حقوق بین‌الملل و به‌ویژه کنوانسیون آبراه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷ نیویورک برای ملزم کردن ترکیه به رعایت حقوق آبی همسایگان خود از جمله جمهوری اسلامی ایران استفاده شود.



## منابع و ماخذ

- اکبری، نرگس و علی مشهدی (۱۳۹۸). «تهدیدها و تعهدات زیست محیطی دولت ترکیه در اجرای پروژه گاپ نسبت به آثار سوء زیست محیطی در ایران (ریزگردها)». فصلنامه حقوق بین‌المللی. ش ۶۱.
- امیدی، علی و فاطمه رضایی (۱۳۹۰). «عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه». فصلنامه روابط خارجی، ش ۳.
- بدیعی، شهریار (۱۳۹۴). «تأثیر تغییرات اقلیمی در آغاز جنگ سوریه». ماهنامه KWC. ش ۹۴.
- بوزان، باری (۱۳۸۷). مردم، دولت، هراس. ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی. ج اول. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، بری و الی ویور (۱۳۸۸). ساختار امنیت بین‌الملل. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حشمتی جدید، مهدی؛ نقره‌ای، فرهاد و محمد حسن‌زاده (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد گروه‌های قومی و مذهبی در امنیت داخلی استان سیستان و بلوچستان (با تأکید بر گروه‌های قومی و مذهبی شهرستان سروان)». سیاست دفاعی. ش ۹۶.
- دهشیری، محمد رضا؛ حسینی، سید محمد؛ شیراوند، صارم و مصطفی حسینی (۱۳۹۶). «تأثیر امنیت منطقه‌ای بر رفتارشناختی مجموعه‌های امنیتی مناطق». فصلنامه سیاست جهانی. ش ۱۹.
- رحیم‌لی، شهریار (۱۳۹۶). «امنیتی کردن مهاجرت؛ عملکرد اتحادیه اروپا در قبال مهاجران سوری». پژوهش ملل. ش ۲۴.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی، مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱). اصول روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات میزان.
- قائم‌مقامی، علی (۱۳۹۶). «بحران آب و آب‌های جاری فرامرزی ترکیه و امنیت ملی و محیط زیست ایران». فصلنامه مطالعات منافع ایران. ش ۷.
- قدسی، امیر (۱۳۹۶). «نظم ژئوپلیتیکی غرب آسیا و نظم مطلوب منطقه‌ای ایران». فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی. ش ۷۲.

کرمی، افشین؛ حسن‌زاده، جواد و زهرا پیشگاهی‌فرد (۱۳۹۵). «تأثیر هیدروپلیتیک بر مناسبات عراق و ترکیه بر دجله و فرات». *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*. ش ۱۷.

لطفی، حیدر؛ نامی، محمد حسن و جعفر حسن‌پور (۱۳۹۰). «امنیت زیست‌محیطی و سیاست‌گذاری امنیت ملی». *فصلنامه نگرش نو در جغرافیای انسانی*. ش ۴.

محسنی، علی؛ جاودانی مقدم، مهدی و محسن حاجی (۱۳۹۷). «تحول پارادایمی مفهوم قدرت و امنیت در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. ش ۳.

مصلی نژاد، عباس (۱۳۸۷). «بررسی جنبه‌های مختلف امنیت زیست‌محیطی با رویکرد مکتب انتقادی». *فصلنامه محیط‌شناسی*. ش ۴۶.

مینایی، مسعود (۱۳۹۶). «هیدروپلیتیک دجله و ریزگردهای ایران». *همایش دیپلماسی آب و فرصت‌های هیدروپلیتیک غرب آسیا*. دانشگاه خوارزمی.

ستاری، محمد تقی (۱۳۹۶). «بررسی اثرات منطقه‌ای پروژه‌های توسعه منابع آب ترکیه». *شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی*. قابل دسترسی در:

<http://www.npps.ir/ArticlePreview.aspx?id=131941>

کیانی، احسان (۱۳۹۷). «نقش رژیم صهیونیستی در سدسازی‌های ترکیه». *اندیشکده راهبردی تبیین*. قابل دسترسی در: <http://tabyincenter.ir/print/?print=26831>

شبنانی، مهدی (۱۳۹۶). «سیاست سدسازی ترکیه». «جنگ آب» در *خاورمیانه خبرگزاری رادیو زمانه*. قابل دسترسی در: <https://www.radiozamaneh.com/346630>

عبداللهی، محمدرضا (۱۳۹۵). «نوعثمانی‌گری ترکیه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». *مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم انسانی*. قابل دسترسی در: <https://civilica.com/doc/549929>

نقیبی، محسن (۱۳۹۳). «آب ابزار بازی ترکیه در منطقه شده است». *خبرگزاری دیپلماسی ایران*. قابل دسترسی در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1945055>

روزنامه شرق (۱۳۹۶). *در کنفرانس بین‌المللی مقابله با گرد و غبار مطرح شد: «انتقاد روحانی از سدسازی در ترکیه و افغانستان»*. قابل دسترسی در:

<https://www.magiran.com/article/3586619>

Qarehgozlou, Maryam(2017), Iran holds Turkey partly accountable for dust storms; Turkey denies, Available at: <https://www.tehrantimes.com/news/414799/Iran-holds-Turkey-partly-accountable-for-dust-storms-Turkey>.

Güncelleme, Son(2012), Ilisu Projesi'nde Hedef 2014, Available at: <https://mepc.org/journal/water-trade-between-israel-and-turkey-start-middle-east>.

- Scott ,Katy(2018), Can the Middle East Solve its water problem? , Available at: <https://edition.cnn.com/2018/07/11/middleeast/middle-east-water/ index.html>.
- IFP,(2018), Iran Says Turkey's GAP Project Destroys Regional Ecosystem, , Available at: <https://ifpnews.com/exclusive/iran-says-turkeys-gap-project-destroys-regional-ecosystem/>.
- Warner, J. (2012). The struggle over Turkey's Ilisu Dam: domestic and international security linkages. *International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics*, 12(3), 231-250. , Available at: <https://link.springer.com/article/10.1007/s10784-012-9178-x>.
- Tsakalidou, I. (2013). The Great Anatolian Project: Is Water Management a Panacea or Crisis Multiplier for Turkey's Kurds?. *New Security Beat*, 5. Available at: <https://www.newsecuritybeat.org/2013/08/great-anatolian-project-water-management-panacea-crisis-multiplier-turkeys-kurds/>.
- Ilisu Dam Campaign,(2000), The Ilisu Dam, the World Commission on Dams and Export Credit Reform, Available at: <http://www.thecornerhouse.org.uk/resource/ilisu-dam-world-commission-dams-and-export-credit-reform>.
- Kieran Cooke(2019), Before the flood: Turkey's new dam set to wash away past despite uncertain future, Available at: <https://www.middleeasteye.net/news/flood-turkeys-new-dam-set-wash-away-past-despite-uncertain-future>.
- Pamukcu, K. (2003). Water trade between Israel and Turkey: a start in the Middle East?. *Middle East Policy*, 10(4), 87., Available at: <https://mepc.org/journal/water-trade-between-israel-and-turkey-start-middle-east>
- Jenkins, Gareth(2008), BABACAN DISMISSES CLAIMS THAT TURKEY OFFERED SYRIA WATER FOR PEACE WITH ISRAEL, Available at: <https://jamestown.org/program/babacan-dismisses-claims-that-turkey-offered-syria-water-for-peace-with-israel/>.
- tehrantimes(2017), Turkey not convincing over dams project: Iran, Available at: <https://www.tehrantimes.com/news/416850/Turkey-not-convincing-over-dams-project-Iran>.